

یادداشت **محمدرضا مصباح***



از ترس کرونا برای مرگ سینمای ایران نسخه فیلچید!

در خبرها آمده است که نیمه آذر، درباره بر گزار نشدن یا بر گزار شدن سی ونهمین جشنواره فیلم فجر تصمیم گیری خواهد شد. این در حالی است که پیش تر از برگزاری قطعی این دوره جشنواره به دبیری «سیدمحمد مهدی طباطبایی نژاد» اخبار رسمی، رسانه‌ای شده بود و با طرح این موضوع، به نظر می‌رسد نوعی عقب‌نشینی تحت تأثیر القانات رسانه‌ای ناشی از وجود شرایط کرونایی در مدیران و تصمیم گیران سینمای ایران رخ داده است.

باید به این نکته توجه داشت که بحث بر گزاری جشنواره، باا کرا ن عمومی فیلم‌ها، مباحثی جداگانه است و اگر سینماها در روزهای اوج کرونایی تعطیلند که باید چنین هم باشد، این ربطی به تعطیلی جشنواره (به عنوان یک رویداد تخصصی) ندارد. واقعیت این است که جشنواره فیلم فجر بیش از هر جشنواره دیگری برای اهالی سینمای ایران اهمیت دارد. متولیان سینمای ایران و افکار عمومی قطعاً متوجه این هستند که چشم‌انداز همه کسانی که با صرف سرمایه و هزینه و دردسر، در این سال سخت فیلم ساخته‌اند، به سمت ارائه اثرشان به ویتترین و آورده‌گاه جشنواره فیلم فجر است. حال اگر به فرض این جشنواره بر گزار نشود یا تاخیر بر گزار شود، یک سرمایه‌سوزی بزرگ رخ می‌دهد و تمام انگیزه و شوق عوامل و تولید کنندگان فیلم‌ها را بین می‌رود و این یعنی یک ضربه روحی بر نیروی انسانی فعال در سینمای ایران. از سسوی دیگر باید به این نکته توجه داشت که ضرورت بر گزاری جشنواره فیلم فجر، در ایام بر گزارداشت پیروزی انقلاب اسلامی در دهه فجر است که معنا می‌یابد و شور و حالی که این رویداد به مناسبت دهه فجر به جامعه منتقل می‌کند، اهمیت تاریخی داشته و دارد. بخش جهانی این رویداد بنا به ملاحظاتی به اردیبهشت ماه منتقل شد و اگر بخش ملی جشنواره فیلم فجر هم به ماه دیگری منتقل شود، آثار منفی و بدی در پی خواهد داشت و اصلاً معنای ماهوی خود را از دست خواهد داد. در شرایطی که کشورهای مختلف دنیا با برپایی رویدادهای اینگونه در شرایط کرونایی کنار آمده‌اند، آیا منطقی این نیست که مدیران سینمایی ما هم تدبیر و مدیریت را در شرایط بحرانی بالا ببرند و شرایط طوری تأمین شود که بتوان جشنواره فیلم فجر را با همه ملاحظات، در زمان خودش بر گزار کرد؟

آیا برپایی آنلاین جشنواره‌های دیگر در این ماه‌ها، در زمینه ابتلا به کرونا، زمینه‌ساز فاجعه شده است؟ آیا با طرح «بردمی بودن» جشنواره فجر، باید خط تخصصی و فرهنگی آن را از دیگر جشنواره‌ها جدا کرد و بی فکر و ملاحظه و بی تحقیق و تدبیر رای به تعطیلی آن داد؟ آیا اصلاً جشنواره فیلم فجر، رویدادی است که صرفاً با حضور مردم در سالن‌های سینما معنا می‌یابد و نمی‌توان آن را استثنائاً اسما ل با شیوه‌های متفاوت بر گزار کرد که شور مردمی آن هم پاسخگوی نیاز مرد باشد و هم به خواسته طیف گسترده اهالی سینمای ایران پاسخ بدهد؟

به نظر می‌رسد این روزها، کسانی که فعالیتی نداشته‌اند و فیلمی برای ارائه به جشنواره ندارند، تلاشی می‌کنند از دکل کووید ۱۹ بالا بروند و بر تعطیلی جشنواره فیلم فجر دامن برند اما واقعیت این است که این عده، نماینده سینماگران و مردم نیستند.

من به عنوان تهیه‌کننده‌ای که امسال در شرایط سخت کرونایی فیلمی را آماده ارائه به جشنواره دارم، امید دارم این فیلم دیده شود و مورد توجه و نقد و نظر قرار گیرد. من اجازه نمی‌دهم تحت تأثیر فضا سازی این عده، حق عواملم که با جان و دل زحمت کشیدند، پایمال شود. قطعاً برپایی جشنواره فیلم فجر با نظر ستاد ملی مبارزه با بیماری کرونا و با رعایت پروتکل‌های بهداشتی معنا می‌یابد. اگر بیک شیوع و ابتلا به این بیماری در ماه‌های پیش‌رو، همچنان بالا رفت، می‌توان با حذف حضور مخاطب، فیلم‌ها را برای داوران نمایش داد و صرفاً بر گزیدگان جشنواره را معرفی کرد. اگر بیک، در شرایط متوسطی بود، می‌توان همانند جشنواره فیلم کودک (که البته بخش عمده‌اش به صورت مجازی بر گزار شد و بخشی از آن به صورت فیزیکی)، فیلم‌ها را در یک سالن با حضور حداقلی افراد به نمایش گذاشت و نشست‌ها را با رعایت شدید پروتکل‌های بهداشتی نکرد و دست آخر، اختتامیه را به شکلی که باید، بر پا کرد.

حرف آخر اینکه «کرونا» سال بعد سال‌های بعد، از بین خواهد رفت اما با تعطیلی جشنواره فیلم فجر، ضمن آنکه یکی از مفیدترین رویدادهایی را که به جامعه انرژی مثبت می‌بخشد، حذف کرده‌ایم، به واقع شناسنامه سینمای ایران را هم باطل کرده‌ایم چرا که با این خطب و بی تدبیری محض، سینمای ایران، در روزگار پسا کرونا، بدون نقشه راه و در سرد کمی محض به سر خواهد برد و می‌شود زوال و مرگ تدریجی آن را از همین حالا تصور بود.

تهیه‌کننده سینمای ایران



روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران

صاحب امتیاز: پیام‌آوران نشر روز

مدیرعامل و مدیر مسئول: عبدالله گنجی

سر دبیر: غلامرضا صادقیان

آدرس: تهران، خیابان شهید مطهری

تقاطع میرزای شیرازی، پلاک ۳۸۴

سازمان آگهی‌ها: ۸۸۳۴۱۶۵۴

روابط عمومی: ۸۸۴۹۸۴۴۸، نمابر: ۶-۸۸۸۴۵۶۳۴

توزیع: شرکت نشر گستر امروز ۸۸۸۶۲۱۹۴

چاپ تهران: چاپخانه روزنامه جوان

www.javanonline.ir

| روزنامه جوان | شماره ۶۰۸۶ | سه‌شنبه ۱۱ آذر ۱۳۹۹ | ۱۵ ربیع‌الثانی ۱۴۴۲ | اذان ظهر: ۱۱:۵۳ |

غروب آفتاب: ۱۶:۵۱ | مغرب: ۱۷:۱۱ | نیمه‌شب‌شروع: ۲۳:۰۹ | اذان صبح فردا: ۵:۲۸ | طلوع آفتاب فردا: ۷:۴۷ |

حلقه‌های مفقوده در زنجیره مد و لباس

جشنواره‌ها و نمایشگاه‌های مد و لباس معمولاً گذرا هستند و فراموش می‌شوند



تولید مد و لباس ایرانی اگر به عنوان بخشی از یک مجموعه بزرگ تر یعنی ایران فرهنگی در نظر گرفته نشود و به موازات بخش‌های دیگر درباره آن تصمیم‌گیری نشود، توفیقی حاصل نخواهد کرد، به عبارتی دیگر اگر در این پهنه سرسزمینی، لباس تولیدکننده ایرانی در قالب فرهنگی و هنری مورد توجه مردم نباشد، حلقه‌های این زنجیره فرهنگی تکمیل نمی‌شود.

به نظر می‌رسد عرصه طراحی مد و لباس در ایران به رغم تمام هزینه‌ها و نمایشگاه‌ها و خبرهایی که حول این موضوع رقم می‌خورد، به دلیل تناقض‌های ساختاری موجود در کتان فرهنگی کشور توفیقی حاصل نکرده است. رنگارنگی و تنوع پوشش در ایران طیفی وسیع را دربرمی‌گیرد ولی همچنان پوشش ما ایرانی‌ها تحت تأثیر آنچه در غرب طراحی می‌شود، رقم می‌خورد.

■ **جشنواره‌هایی که خاصیت ندارند!**

یک پژوهشگر حوزه مد و لباس می‌گوید: متولیان حوزه مد و لباس باید به جای برگزاری نمایشگاه‌ها و همایش‌های گذرا فعالیت‌هایی داشته باشند که لباس‌های اقوام را به عنوان

لباس ملی به مردمانمان معرفی کنند. «مپه‌راه اکبری» از اساتید حوزه مد و لباس، یک طراح و کارشناس است. او در این باره که ایران در حوزه لباس اقوام و سنتی بسیار غنی است اما متأسفانه در جامعه مد و لباس به خوبی شناسایی نشده و در اختیار مخاطبان قرار نگرفته است! و اینکه باید چه راه‌حلی را مدنظر قرار داد تا بتوانیم در جامعه، فرهنگ پوشش اقوام و لباس سنتی را جا بیندازیم تا هم اطلاعات مردم در این زمینه بیشتر شود و هم، آن استفاده و بهره‌مندی کاربردی داشته باشد، به مهر می‌گوید: «به اعتقاد من لباس اقوام در حوزه مد، کامل و بی نقص است و می‌توان در این زمینه کار کرد. من در این راه تحقیقات و پژوهش‌های زیادی انجام داده‌ام تا لباس‌های اقوام را به عنوان میراث فرهنگی کشورم حفظ کنم که البته این لباس‌ها و پوشش‌های استان‌های مختلف وجود دارد و باید کسی که این فرهنگ کمرنگ نشود و برای حفظ آن تمام تلاشمان را داشته باشیم.»

به گفته این فعال حوزه مد و لباس باید در نظر نباشد؟ همین حالا که سینماها تعطیل است هر از گاهی چندین پروانه ساخت صادر و در هر فصل هم چندین سریال تولید می‌شود ولی ماجرا این است که تولید درام‌های زندگینامه‌ای قوی درباره شهدای ترور، مسئله آقایان دویاسپور نه نیست.

شاید افروز، آقایان دویاسپور به دلیل خوش است که کشش ماه سال را آن طرف باشند و برای همین سراغ سوزهای ضدامپریالیستی نمی‌روند. بدبختی این است که حتی حین حضورشان در آن طرف نرفته‌اند دو سالن سینما اجاره کنند و فیلم‌های ایرانی نمایش دهند و همه دستاورد هنری‌شان در آن سوی دنیاقطع عسک گرفتن یا بازیگران مهاجر است! آن وقت از این جماعت انتظار می‌رود ببینند و درباره شهید هسته‌ای فیلم بسازند؟ بازیگر «ملک سلیمان» یادآور شد: آنهایی هم

که به سمت ساخت فیلم‌های این گونه می‌روند، اغلب کم‌تجربه یا بی‌تجربه هستند و صرفاً می‌خواهند نام خود را برای دیده شدن خود مجالی کنند در حالی که تولید فیلم بزرگ درباره قهرمانان مملکت نیاز به آدم‌های بزرگ دارد. باید آدم‌های بزرگ تربیت می‌کردیم ولی هر آدم بزرگ و معتقدی را به دلیلی بایکوت کرده‌ایم.

حکمت

امام رضا(ع):

هیچ بنده‌ای حقیقت ایمانش را

کامل نمی‌کند، مگر اینکه در او

سه خصلت باشد: دین‌شناسی،

تدبیر نیکو در زندگی و شکیبایی

در مصیبت‌ها و بلاها.

(بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۳۳۹، ج۱)

نما **الحسن کشتکار**



شعر

ذکر خاطره و شعر سعید بیایانکی درباره شهید فخری‌زاده

خبر دهید به کفتارهای این وادی گلوله خورده پلنگ غیور آبادی



شاعر کشورمان خاطره دیدار خود با شهید فخری‌زاده را چنین توصیف کرد: از شعر و ادبیات سخن گفت. یاد شاعران سفر کرده کرد: قیصر امین‌پور، سیدحسن حسینی، سعید بیایانکی خاطره‌ای از شهید فخری‌زاده بیان و سروده‌ای جدید را به این دانشمند هسته‌ای تقدیم کرد

و چنین نوشت: «یک روز قبل از اربعین امسال در محفل شعرخوانی مختصر و پرشوری مهمان دکتر محسن فخری‌زاده بودم. پس از پایان مراسم که نزدیک ظهر بود مرا مهریانه به دفترش دعوت کرد... ساعتی محضر آن بزرگمرد را در ک کردم که جهانی بود بنشسته در گوشه‌ای. از شعر و ادبیات سخن گفت. یاد

شاعران سفر کرده کرد. از جمله قیصر امین‌پور، سیدحسن حسینی، احمد زارعی و دیگران... آن نگاه و خلوت آرام و معنوی و صمیمی را هرگز از یاد نخواهم برد. من تا روز شهیدتش به جایگاه علمی آن عزیز واقف نبودم.

این ابیات به یاد آن سفر کرده بر زبانم جاری شد... روحش شاد»

خبر دهید به کفتارهای این وادی گلوله خورده پلنگ غیور آبادی گلوله خورده همان مهربان ناآرام همان شهید مجسم گنانه گمنام درخت پر بر و بار فضیلت و نیکی گلوله خورده چو ماهی میان تاریکی گلوله خورده همان بی‌بدیل بی‌تکرار مشکلات ساختاری و نارسایی در هم‌افزایی با بخش‌های دیگر در صنعتی شدن با موانع جدی روبرو می‌شود چرا که وزارت ارشاد با برگزاری نمایشگاه‌ها و جشنواره‌های مد و لباس صرفاً جنبه‌های هنری این حوزه را در نظر دارد و جنبه‌های تجاری آن با اساسا مطرح نیست یا در بهترین حالت در حاشیه قرار دارد، همین باعث می‌شود که زنجیرهای به باید شکل بگیرد دچار حلقه‌های مفقوده زیادی باشند و بدیهی است که از این خلأ به طور کامل و پوشش‌دهی پوشاک استفاده و تولیدکننده‌های داخلی نیز در گوشه و کنار از همان طرح‌هایی استفاده کنند که ذائقه آن در جامعه از پیش ایجاد شده است.

خبر دهید دلیان بهار را گشتند پلنگ زخمی این کوهسار را گشتند تو مرد وادی گمنام زیستن بودی تو اهل سوختن اهل گریستن بودی چه شد که نام تو اینگونه منفرج شده است؟ شمیم نام تو در شهر منتشر شده است؟ بهشت بر تو مبارک شهید میهن ما نثار راه تو فریادهای روشن ما عقیق خونی دور از بمن خداحافظ شهید عارف گلگون کفن خداحافظ...

ادبیات

چیزی می‌نوشت که تاریخ انقضا نداشته باشد

برادر مرحوم زرویی: نگاه زرویی نصرآباد به طنز ژورنالیستی نبود



■ **سیدمرتضی ذاکر**
برادر مرحوم زرویی نصرآباد می‌گوید: ابوالفضل به طنز نگاه ژورنالیستی نداشت چرا که مطالب طنز ژورنالیستی تاریخ مصرف دارند، همیشه سعی می‌کرد مطالبی بنویسد که تاریخ انقضا نداشته باشد.

روز گذشته دومین سالگرد درگذشت مرحوم ابوالفضل زرویی نصرآباد شاعر و طنزپرداز سرشناس کشورمان بود؛ کسی که کیومرث فومنی صابری فقید در ۳۳سالگی‌اش او را وارث قلم عبید و دهخدا می‌دانست. محمد زرویی نصرآباد مدیرعامل سپهر سوره هنر و برادر این طنزپرداز فقید در رابطه با وجه تمایز آثار وی با دیگر طنزآنان کشور به ایننامی‌گوید: ابوالفضل در سال‌های جوانی و نوجوانی به شدت کتاب می‌خواند و هیچ وقت او را خانه بدون کتاب نمی‌دیدیم و همیشه کتاب به دست بود. او در برین کتاب‌های مختلف بیشترین رجوع را به ادبیات کهن داشت. به خاطر دارم زمانی که در بیست و چند سالگی «تذکره المقامات» را می‌نوشت، همه آذاع داشتند این قلم یک جوان ۲۰ساله نیست و این قطعاً قلم کسی است که عمرش را صرف تاریخ و ادبیات کهن کرده‌است.

محمد زرویی نصرآباد در تشریح نگاه این طنزنویس فقید نسبت به انتشار مطلب در رسانه‌ها اظهار می‌دارد: ابوالفضل وسواس خیلی زیادی در کار داشت و هیچ وقت به کارهای ژورنالیستی تکیه نمی‌کرد و زمانی هم که به او پیشنهاد ستون طنز در روزنامه‌ها و مجلات را می‌دادند، باا کراه قبول می‌کرد و زمانی هم که قبول می‌کرد، خیلی وقت می‌گذاشت و بعد از رسیدن به یک فرم و قالب مشخص روی آن فرم تمام ایده‌ها را پیاده می‌کرد.

وای امامی می‌دهد: او سعی می‌کرد مطالبی بنویسد که تاریخ انقضا نداشته باشد و به طنز نگاه ژورنالیستی نداشت چرا که مطالب طنز ژورنالیستی تاریخ مصرف دارند و بعد از مدتی با رفتن آدم‌ها دیگر زیبایی و ارزش گذشته را ندارند. او بعد از «تذکره المقامات» تلاش کرد روی مطالب ژورنالیستی تکیه نکند و اگر نقد هم می‌خواهد بکند، نقدی باشد که در ادوار مختلف به کار بیاید و همیشه تازگی داشته باشد.

مدیرعامل سپهر هنر می‌گوید: بعد از تعطیلی «گل آقا» به فکر راهاندازی مجله نبود و بیشتر دغدغه این را داشت که یک پایگاه برای چیه‌های طنز ایجاد کند؛ از این رو دفتر طنز را در حوزه هنری پایه‌گذاری و راهاندازی کرد تا طنزپردازان جمع شوند و یک جایگاهی داشته باشند تا بتوانند کار خلق کنند. ابوالفضل بیشتر روی خلاقیت فکر می‌کرد تا یک کار جدید انجام دهد و خلأها را پر کند تا اینکه برگردد و کاری را که یک شخصی در گذشته انجام داده است مجدداً انجام دهد.